

صفحة اول

خبر باختر

جلد یازدهم

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ والراست بتوسط محفل مقدس روحانی طهران یا یکسر با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار منتشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقاة ترفیاتی مادی و معنوی نوع بشر و یگانگی وسیله انتظام و همیانیان عالم است سخن میراند و مقالات مفیده که موافق این مقصد است بخواهد

شماره نوزدهم . ۲ ماه ماسح سنه ۱۹۱۱ هـ موافق ماه عیلا سنه ۷۶ بهائی

حضرت بهاء الله میفرماید
ای فرزند کثیر من
اخر سلطنت باقی بینی البته بحال
جد از ملک فانی در کندی و لکن
سنتان را حکمتهاست و جلوه این را
منها جز افتد باک ادراک نماید

ساجات طلب مغفرت

بجهت عموم متصاعدین ملکوت امیری از اجزاء
واماء الله عظیم و علیتهن البراءه الیه
طهران بواسطه جناب امین علیه بهاء الله الیه

هو الله

اللهم يا غافر الذنوب وكاشف الكرب وجازي العلوب
وسار كل منيب ولو خاف غم العيوب ان عبادا احدثتم
لجبتك واجبتهم لفرقتك وخصصتهم برحمتك وهديتهم
إلى مطلع وحدانيتك وسقيتهم من اسقام القلوب لآرواح
ودنيت لهم بعهدك الموثوق في عالم الأرواح حتى لم يكبر ندا
بالاشباح وقاموا بالانفراج لما أضاء المصباح في رجا حبه
رحمتك وسلكوا في سبيلك وشربوا من كسبيل مائتك
وعبروا من كأس ينل الأفيها الصفا كالصباح ربنا
انقطعوا عن الدنيا وتوجهوا إلى الملائكة والسموات والارضين
بجاءك الآبى وتحنوا للرفيق الأعلى وندوا باسمك في الملاود

إلى ملكوتك الأعلى وأقبلوا إليك بقلب خاضع وعين ناظرة
وروح خاشع مبتهلين إليك في العشي والأشراق
سبحانك انهم تعلموا كل شيعة وضراء وكل عجنة وبأسنا
في سبيلك يا رب السموات العلى ربنا ربنا ربنا
ولم يفرغوا من التواكب بل شربوا من الرحيات البواخ و
استهقدوا السهام في حيك وتخلوا الحزن والألام في سبيلك
يلبون لندائك ويهرعون إلى طلال سيدة رحمتك وتعرف
اعينهم بالدمع شوقا للقائك وتتصاعد منهم الرقرات وتشد
عليهم الحشرات لحرمانهم من محفل الأنوار الذي تجلى فيه العبد
الجبار إلى أن وهنت منهم القوى وتزلزلت أركانهم من النوى
واضطربت في الأضواء نار الجوى وأنصم صبرهم من
الآبى من ملكوتك الآبى فخلعوا الثوب الأجسام ولبسوا
قميص التقديس وطاروا إلى الأوج الأعلى شوقا إلى اللقاء
في ملكوت الأشرار وتوقا إلى الحضرة العجلى مركز
الأنوار ربنا ربنا هذا الوعد واسمع لهم بالورود على
الورود المورود والوصول إلى المقام المهور والخلود في
حيز الكشف والشهود واجتهدهم آيات المعرو والمنان
وربات الفضل والأحسان وكواكب ساطعة من أفق العلى
ومواكب رافعة اللوار في الملائكة العلى

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَبِيرُ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ إِنَّكَ أَنْتَ
الْمَعْرُوفُ الْغُفُورُ يَا رَبِّي الرَّؤُوفُ الْعَظِيمُ

عبد البصائر عباس

۱۸ حبه سنه ۱۳۳۷

حاجی میرزا حیدر علی

در بیت و هفتاد ماه اکت سنة هزار و نهصد و بیست و یک از این عالم فانی به ملکوت باقی پرواز کردند اگر چه از جهت عمر بالا تر از نود سال رسیدند با وجود این تا نفس اخیر در کوه کربل حیفاً جمیع احاسات روحانی و جسمانی ایشان در نهایت کمال بوده فی الحقیقه این وجود مبارک در ایمان و ثبوت و علم و تبلیغ و عظیم و خلق و انقطاع و خضوع و تحمل بلا یا در سبیل الهی اول بود و باین صفات حسنه مشهور شرق و غرب شد خوشایجانان خوشابعدت ابدیه ایشان که قسم اخیر عمرشانرا در جوار عتبه مقدسه صرف کردند و اکثر عمرشان وقف خدمت امرالله نمودند و برضای حضرت جمال قدم جل ذکره الاعظم فائز گشتند و در سیاحت اقدس حضرت من اراده الله صعود فرمودند .

قصه مرثیه

تظلم جناب آقا میرزا محمود زرقانی سلمه الله در ذکر صعود حضرت منادی میثاق الله خادم کلمه الله مبلغ امرالله جناب حاجی میرزا حیدر علی روحی لومسه الفداء

آه از این جهان ظلمانی و زلفادیر جسم انسانی که همه ماتم است و حزن و الم خود سرا سر غم است و حیرانی است و قدرت در اول عمر آن خود بیفشانده غم و برانی صبر فطری کرده محروم خراب و هر بنای ز عالی و دانی عاقبت هر دو خاک راه شود و کلبه فقر و کاخ سلطانی بلکه انجام صعب تر باشد از گدائی غم جهان بینی گرنه عرفان حق در او بودی چه شمر داشت خلق امکانی چه نتیجه در این سرا چه شد و مرتب ز جسم حیرانی چه صدمانگی از صف دنیا چه اثر از آفتاب کیوانی چه وفادار است حال خال و هر چه بقا نار و ابر نیسانی

داشت این تن چه لذتی باقی و بین تلون چه شان شایانی آری عرفان حق مدار بقا است و از آنکه باقت روح رحمانی نفس ترکیب بعد صرشتیت و بیناید جهان روحانی پس خوش آنکس که در جهان تنی چست فیضی زد لبر جان صیوان جان پاک و نفس نفیس و دل و انا و روی نورانی پیکر من پرست حیدر علی که کوب عز و برج نورانی محرم ساز حضرت و اور و منبع فضل و فیض وجدانی علم نصرت و مبلغ امر و دافع نقض و شوک شیطان ز آیت عشق و آیت حجت و خادم امر و عهد یزدانی ز اینجهان بر پرید و جها ترا ساخت سوزان ز مهر جسمانی آمدی خیمه برچ غم نایب بهر آن یک عشق ربانی چونکه رفت جهان تن بر بست ز دکلم در جهان روحانی بر رخوان قرب قدس نشسته و چه خون و چه طره مهرانی بار آنها بحق خاص است حق عشاق عهد سبحانی کن عبات باین پریشان دل حصه زین مقام قدومانی حفظ نما ز غفلت و نسیان بکن مژون روح و بیخ ایمانی ساز خلق بان عزیزان نیز از کرم جان و روح زرقانی

عکس مرحوم حاجی میرزا حیدر علی
 Hadji Mirza Neidar Ali.
 DIED August 27th. 1920: IN HAIFA.



ضیاء خانم نرگانی

در بیت باریک بزرگ تربیت شده و یکسال پیش در حیفامردوسی کرده بعد با جناب آقا میرزا محمود خانی به هندوستان رفتند ولی اراده الهی جان تعلق نمود که آن عروس عالم ناسوت را بگذرد و به جهان حوریتان القدس بشتابد . علیها الرحمة والرضوان ولقرینها الصبر والتلوان .

جناب ابتهاج الملک

از اخبارات ایران اینکه جناب ابتهاج الملک کاس شهادت نوشیدند و بلقاعی ملیک مقدم قانزگشتند . اگر ایران و ایرانیان قدر این قبیل اشخاص میدانستند نه ایران و نه ایرانیان باین حالت حاضر میماندند بلکه تاج سر عالم و عالیان میشدند .

نجم باختر ۱ به عموم خویشان و دوستان این متعاضدین الی الله مراسم تعزیت و سر سلامتی بگیری و حسن عاقبت از برای همه میطلبید
 كُلُّ امْنٍ اُنْتِیْ وَ اِنْ طَالَتْ سَلَامَتُهُ
 یَوْمًا عَلٰی اَلِهٍ حَدَثًا بَا ۛ عَمْرٍ ۛ

زیارت حضرت عبدالجبار

[بقیه از شماره هشتم جلد یازدهم]

دیگر از آنوقت بجهت نامت نه ماه شب و روز از علوم الهیه و فائده آسمانی حضرت عبدالجبار در وحایت روضه مبارک و نورایت مقام مقدس اعلی و عوانت بادوستان با دفاء به قدر استعداد و لای استحقاق بهره مند میشم .

« ما دولت عادلانه را دوست داریم »
 جی از ادیان و ملل مختلفه مانند مغز و بزرگان اسلام حیف و ضبار انگلیس در حضور حضرت

عبدالجبار مشرف بودند در بیان صحبت یکی از حضار سؤال کرد که فرق مابین حکومت سابقه و حاضره چیست ؟ حضرت عبدالجبار در جواب فرمودند که « ما دولت عادلانه را دوست داریم هر دو ولتی باشد پادشاه قدیم ایران انوشیروان اگرچه از عیده او ثانی بود با وجود این حضرت رسول بآن افتخار میکرد قوله علیه السلام . ' اِنِّیْ وُلِدْتُ بِاَیَّامِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ ' فرق مابین حکومت ترک و انگلیس اینست که در زمان ترک امنیت از برای جان و عرض و مال محفوظ بود ولی لاکن موجود . »

حضار از این جواب شافی کافی وافی قانع شدند و سرور رفتند .

خانه المانی در حیفامردوسی

وقتی که مقام مقدس حضرت اعلی بالای کوه کرمل در حیفامردوسی ساختند حضرت عبدالجبار میل میمانگشان این بود که در آینده راهی باز کنند از در مقام مقدس تا اسکله المانی آن وقت سارین امض مقدسه از بحر یک سر از آن خیابان بمقام حضرت اعلی بروند دیگر از این راهی نزدیکتر و مستقیمتر و با صفا تر نمیشود .

اگر کسی از اسکله المانی پیاده میشد خود را بیان کل دسته ها میدید زیرا آن خیابان مستقیم « کولونی » المانی که سابق آلمانیان برای خودشان ساختند از هر طرف باغ و بوته و چمن های سبز و خرم از زمین و بیابان درختان سرو و زیتون حق بادم و خرمی مانند قشون نظم ایستاده و خانه های المانی . که حال دست حکومت انگلیس . صدیکی مانند کل دسته های آنست در نهایت آنان تا بداند کوه بر سپید میدید که

تخصیب ایالتا

۹ ماه دستبرسنه ۱۹۱۹ - سر سفره سبانه
 درخصص سخچا که در ایالتا ویدیم حضرت
 حضرت عبد الجبار فرمودند « بی احوالی
 ایالتا متعصبند رفیکه وارد ناپولی شوم
 مسته شبانه روز در واپیر ماندم و اگر پناه
 یسیدیم مارا در کوجه جاسنگ ریز میگردند
 و چون با ترکها خوب دانشند تصور میگردند که
 ما هم ترک هستیم .

پا پاسانی یک دفعه بنایت عید سال
 جدید در کلیسا عطا به بخواند یک تقو پادشاه
 ایالتا را بکلیسا دعوت کرد ولی پادشاه قبول
 نکرد و گفت برآید تلیفونی اینجا بگذارید و از
 قصر من بکلیسا متصل کنید تا صحبتهای پایدار
 از همین جا با تلفون بشنوم .

زیارت عسکا

۱۰ ماه دسبر - حسب الامر مبارک با خطاب
 شرق اصفی ربانی و آقا میرزا عزیز الله
 خان ورفا و آقا میرزا عزیز الله خان خلیل
 سوار کوشه شوم و جناب اسفندیار
 مارا به صلصه مبارکه برد بعد از زیارت
 به نام حضرتان وقت غذا آنجا صرف شد بعد
 به قشقه رفیم و زیارت سجن اعظم نمردیم
 و از صوم فرآود به جمیع پادشاه و عا کردیم قبول
 از مردوب به حیفا برگشتیم . رفت عیسی سیدیم
 پادشیم زیاده فرمودند که خود نایب که جزو شوم بدینکت جوان
 مبارک آنجا حال فرمودند که غیب از آن کند و فرمودند من خود را با آن
 یکم منظر یکم خدا سون معیان کم را و هیچ که آسمانی مکرر فرمود من
 هم بی دیگران یکم . جوان مبارک از این جواب بیایتم
 فرمودند . [بقیه دارد] .

خانه های ملک شخصی که در وسط آن خیابان
 ساخته شده لهذا حضرت عبد الجبار فرمودند
 که آن خانه را بخردند و خرید کنند تا راه باز شود
 ولی بعضی از معتمدین و ناقضین رفتند پیش
 شخص آلمانی و گفتند بیاد خان را بفرموشید
 هر قدر بجزا صید بشما پول بدهند قبول کنید
 آن شخص به طمع افتاد و قیمت خانه را این قدر
 بالا کرد که کسی نتوانست بخرد حضرت عبد الجبار
 فرمودند « و لشو کنید پیشما و فرما شد
 امروز هر کس به مستخره آلمانی برود
 و در آن خیابان سرور کند میبیند که هیچ آری
 از آن خانه نمانده است جهت اینکه در وقت
 حمله سردار انگلیس اول کاری که کرد از بزد
 که همان خانه را با خاک یکسان کرد .

ان غیر الجاه لا یظن من الکفر انهم لا یؤمنون

جنرال امریکا در جواب

شبه که مجلس شد حضرت عبد الجبار از این
 عید شاد فرمودند که چرا امریکا داخل حریف شد
 و جواب عرض شد که آراء ملت امریکا در این
 سئله مختلف است . گروهی هستند میگویند
 از برای خدمت عالم انسان جنگ کردیم .
 بعضی بر آنند که آلمان تعدی و ظلم کرد .
 و بعضی هستند که اعتقادشان بر اینست که
 که از برای منافع شخصی و داخل حریف شدند .
 حضرت عبد الجبار فرمودند که خیر همین است
 که از برای منافع شخصی داخل حریف شدند
 جروج و اشکن شخصی واقعی بوده او
 با امریکا گفت که در امور سیاسته او بخوا
 مداخله نکنید . و اروپا در امور سیاسته
 شما مداخله کنند .